

فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۳A۴۶۴ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

بررسی حکم خودکشی و معاونت در آن از نظر شریعت و حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۶/۱۲)

سمیرا میرزایی

چکیده

در شریعت اسلام و منطبق قرآن، خودکشی و معاونت در آن، به عنوان ارتکاب فعل حرام، ممنوع و به تبع آن دارای عقوبت اخروی خواهد بود. خودکشی تلاشی آگاهانه به منظور خاتمه دادن به زندگی شخص توسط خودش می باشد و معاون جرم، کسی است که از طریق تحریک، فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم و تهیه وسایل و یا ارائه طریق در ارتکاب رفتار مجرمانه، همکاری و دخالت داشته باشد. در قوانین حقوقی ایران، خودکشی جرم محسوب نمی شود و به تبع آن معاونت در خودکشی نیز جرم نخواهد بود؛ چون مجرمیت معاون، یک «مجرمیت استعاری» است و هرگاه عمل ارتكابی جرم نباشد، وصف مجرمانه به معاون نیز تعلق نمی گیرد. در حالی که در حقوق جزای اسلام برای اعانت بر اثم، تعزیرات قرارداده شده است. آنچه که در این مقاله اهمیت دارد، این است که با توجه به اینکه عمل خودکشی و معاونت در آن، در شریعت حرام محسوب می شود، چرا در حقوق ایران این دو مورد جرم به حساب نمی آید و مجازاتی برای آن قرار نداده اند؟ البته یکی از دلایلی که خودکشی جرم محسوب نشده این است که وقتی فردی از دنیا می رود، امکان مجازات برای او وجود ندارد ولی در مورد معاونت می توان با توجه به استناد آیات و روایات که حرام بودن آن را اثبات می کند، اینطور بیان کرد که بهتر است در قانون ایران برای آن تعزیر قائل شوند. زیرا این کار باعث می شود که از آمار خودکشی کاسته شود. مقالاتی که در زمینه خودکشی و معاونت در آن صورت گرفته است بیشتر در زمینه حقوقی بوده است و کمتر دیده شده که این دو مورد هر دو در کنار یکدیگر بررسی شده باشند و کمتر مقاله ای به بررسی علت عدم جرم بودن معاونت در خودکشی پرداخته است؛ در حالی که در این مقاله سعی شده است که موارد فوق رعایت شود به امید آنکه شاید نظرات مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خودکشی، ارتکاب جرم، معاونت در خودکشی، معصیت و گناه کبیره، شریعت

بخش اول: معصیت خودکشی در شریعت

به طور قطع، خودکشی یکی از بزرگترین گناهان است و در آیات قرآن و روایات متعددی مورد سرزنش و مذمت قرار گرفته است و بر اساس روایاتی که در این باره وجود دارد این گناه کبیره بخشیده نخواهد شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«.....وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَْ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيه نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا. (النساء / ۳۰-۲۹) خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است؛ و هر که - خوردن مال به باطل و قتل نفس را از روی تجاوز [از حدود خدا] و ستم [بر خود و دیگران] مرتکب شود، به زودی او را در آتشی [آزار دهنده و سوزان] درآوریم؛ و این کار بر خدا آسان است.»

أبی ولاء می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُعْتَمِدًا، فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا؛

(کلینی، همان، ج ۷، ص ۴۵) هر کس عمداً خودکشی کند همیشه در آتش دوزخ خواهد بود.»

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «میان انسان‌های پیش از شما مردی جراحتی برداشت و از شدت بی‌تابی کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدت خونریزی مُرد؛ پس خداوند فرمود: در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت، هرآینه بهشت را بر او حرام کردم.» (المنذری، همان، ص ۳۰۱)

همچنین رسول خدا (ص) در حدیث دیگری فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يَجَاءُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا مُخَلَّدًا أَبَدًا وَمَنْ شَرَبَ سَمًّا وَقَتَلَ نَفْسَهُ، فَسَمُّهُ فِي يَدِهِ يَتَمَسَّاهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ فَقَتَلَ نَفْسَهُ فَهُوَ يَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا مُخَلَّدًا أَبَدًا.» (بخاری، همان، ج ۱، ص ۷)

یعنی: کسی که به وسیله آهن خودکشی کند، پس با آهن پاره‌ای به دست، به طوری که قسمتی از آن در شکمش فرورفته آورده می‌شود و وارد آتش جهنم می‌گردد و در آن به طور ابد و همیشگی خواهد سوخت. و کسی که با خوردن سم، خودکشی کند، پس سم در دست به آتش جهنم انداخته می‌شود و در آن به طور دائم خواهد سوخت و کسی که خود را با پرت کردن از کوه به قتل برساند، پس به آتش جهنم پرت می‌شود و در آن تا ابد خواهد ماند.»

بخش دوم: علل خودکشی در منابع دینی و تجربی

در منابع دینی و تجربی علل و عوامل بسیاری در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و خانوادگی برای خودکشی مطرح شده است تا آنجا که نزدیک به ۵۰ علت و انگیزه برای ارتکاب این عمل شمرده شده است.

برخی از این علت‌ها عبارتند از: احساس پوچی، اعتیاد، شهوت‌رانی، عشق‌بازی، زنا، شرابخواری، قماربازی، بی‌صبری در برابر مشکلات زندگی و بلاها، غرور، حسادت، خیانت، خشم و غضب و لجاجت، ازدواج اجباری، ورشکستگی مالی و روحی و مواردی از این قبیل. (کی‌نیا، ۱۳۷۶، ص ۴۴۰ و ۴۵۰؛ محسنی، ۱۳۶۶، ص ۵۴؛ ایمون آرون، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵)

درواقع زمانی که ضعف ایمان و اعتقاد دینی و ضعف معنویت و اخلاق دینی و توجه بیش از حد به خواسته‌های حیوانی، وجود داشته باشد، مسلماً فرد را از حالت عادی خارج خواهد کرد و با مشکلی همچون خودکشی مواجه خواهد ساخت. (کی‌نیا، همان، ص ۴۴۰)

در اصل، نداشتن شناخت کافی از خداوند و عدم شناخت جایگاه انسان (که خداوند او را به عنوان اشرف مخلوقات این عالم قرارداد است)، هیچگاه احساس پوچی و یأس و ناامیدی بر زندگی وی سایه نمی‌افکند و اگر قدرت مطلقه خداوند را باور داشته باشد و بداند که همه چیز در برابر قدرت او ناتوان و هیچ است، هنگام بروز مشکلات به خدا تکیه می‌کند و با توکل به خداوند، میتواند مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد و آرامش روحی و قوت قلب و عزت نفس را فراهم سازد.

بخش سوم: ادله حرمت خودکشی

برای اثبات حرمت خودکشی به هریک از ادله چهارگانه می‌توان تمسک جست.

بند اول: قرآن کریم

در این زمینه می‌توان به آیه ای اشاره نمود:

۱- سوره نساء آیه ۱: خداوند در این آیه می‌فرماید: «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» این آیه متضمن نهی می‌باشد و نهی، ظهور در حرمت دارد و متعلق نهی، قتل نفس است و آنچه نزد شارع مبغوضیت دارد این است که مکلف مرتکب قتل انسان می‌شود. چه آن انسان خودش باشد و چه شخص دیگری؛ بنابراین حرمت

خودکشی از آیه مستفاد و عموم آن شامل اقسام خودکشی می‌شود. در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به ظهور این آیه برای اثبات حرمت خودکشی استناد شده است.

بند دوم: سنت

روایتی از محمد بن علی بن الحسین: باستاده عن الحسن بن محبوب عن أبي ولاد المنّاط قال سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: هرکس که خود را از روی عمد به قتل برساند در آتش جهنم خالد خواهد بود. این روایت از جهت سند، صحیح است.

بند سوم: عقل

بر حرمت عقلی خودکشی به دو شیوه می‌توان دلیل آورد: یکی مستقلات عقلیه و دیگری غیرمستقلات عقلیه. مستقلات عقلیه: به هلاکت انداختن نفس، یک ضرر قطعی است و عقلای عالم خودکشی را قطعاً ضرر می‌دانند و دفع ضرر قطعی از نفس، عقلاً واجب است پس خودکشی نیز عقلاً جایز نیست.

غیرمستقلات عقلیه: در ادله نقلیه، حرمت خودکشی ثابت شده و بیان شده است که خودکشی کننده، خالد در جهنم است. اگر کسی در دلالت این ادله نقلیه بر حرمت خودکشی شک کند، ما به واسطه این مقدمه و قاعده عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل» ثابت می‌کنیم که عقلاً خودکشی جایز نیست.

بند چهارم: اجماع

همواره فقیهان در طول تاریخ درباره حرمت قتل نفس، وحدت دیدگاه داشته‌اند؛ بنابراین اجماع محصل در رساله وجود دارد. بنابر مبانی بسیاری از محققین، مادامی که اجماع مدرکی یا حتی محتمل المدرکی باشد، اعتبار ندارد و باید همان دلیل که به آن استناد شده را بررسی نمود.

تبصره: با توجه به ادله چهارگانه‌ای که ذکر شد، حرمت خودکشی در شریعت ثابت است.

بخش چهارم: معاونت در گناه از دیدگاه فقه جزایی

این بحث در کتب فقها و اصولیین شیعه، تحت عنوان «اعانت بر اثم» یا «تعاون بر اثم و عدوان» و در کتب فقها و اصولیین اهل سنت با عنوان قاعده «درسد ذرایع» مطرح شده است و دارای احکام خاصی می‌باشد. (گرجی، ۱۳۸۱، ص ۶)

اعانت که معادل عبارت «معاونت» است به معنای یاری کردن، یاری دادن و کمک کردن می‌باشد، (عمید، ۱۳۷۵، ص ۲۳۳) و از افعال بوده و عبارت است از اینکه شخصی مقدمات انجام فعل یا ترک فعلی را برای شخص دیگری فراهم کند اما مرتکب در عمل ارتكابی خود مستقل و مختار باشد. (موسوی، ج ۱، ص ۱۷۹)

بنابراین معاون جرم کسی است که بدون آنکه شخصاً به اجرای جرم منتسب به مباشر پرداخته باشد، با رفتار خود عمداً وقوع جرم را تسهیل کرده و یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیخته است. (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸)

بخش پنجم: حرمت اعانت بر اثم و عدوان

«اعانت» از نظر لغت به معنی کمک کردن آمده است؛ مراد از اعانه بر اثم، کمک کردن گنهکار است. معاونت عبارت است از هرگونه فعلی که دیگری را یاری دهد در تحقق هدف و کار مورد نظرش. و برخی از فقها چنین تعریف کرده‌اند: «معاونت عبارت است از انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام، به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات. (صدارت، ۱۳۷۸، ص ۴۵)

هرچند از اطلاق فقها به دست می‌آید که اعانه اعم است از مساعدت فکری و معنوی یا مساعدت عملی و مادی؛ اما بعید نیست که از نظر فقها انجام اموری چون تحریک، ترغیب، و غیره که در واقع نوعی همکاری فکری و معنوی است اعانه محسوب می‌شود.

«اثم»: به معنای مخالفت با امر خداوند است؛ خواه فعل باشد و خواه ترک فعل؛ فقها حرمت اعانت بر اثم را مستند به دلایل زیر می‌دانند و استنباط می‌کنند: ۱- کتاب ۲- روایات ۳- عقل ۴- اجماع

بند اول: کتاب

خداوند در آیه زیر می‌فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ (مانده ۲) یعنی: بر عمل نیکو و برخاسته از نیت خالص برای خدا کمک کنید و بر گناه و تجاوز و ظلم کمک ننمایید.»

مراد از «اثم» در آیه فوق، مطلق گناه است؛ چه گناه کبیره باشد و چه صغیره. بعضی از فقها از این آیه حرمت اعانت بر اثم را به این استدلال استنباط نموده‌اند. در این آیه تعاون بر اثم نهی شده است و

نهی دلالت بر حرمت دارد و گروهی دیگر بر این باور هستند که در آیه تعاون مقصود حکم تنزیهی است نه حکم تحریمی. از این رو حکم تعاون کراهت خواهد بود نه حرمت. در رد کردن این باور میتوان چنین تبیین کرد که قرینه بودن بعضی از جملات آیه مسلم نیست زیرا تناسب کلمه و موضوع برای عقل شهادت می‌دهند که نهی در اینجا برای تحریم است. علاوه بر این، مقارن بودن اثم بر عدوان هیچ مجالی را برای حمل بر کراهت باقی نمی‌گذارد چون حرمت ظلم و عدوان ضروری و بدیهی است. لذا معلوم می‌شود که این آیه در صدد سرکوبی روحیه تعاون و همکاری در گناه است. (مرعشی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۰)

بند دوم: روایات

برای اثبات این قاعده شواهدی از روایات بیان می‌شود:

از پیامبر (ص) منقول است که فرمودند: «کسی که همکاری و کمک کند برای قتل مسلمانی ولو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: (ناامید از رحمت خدا).»

روایت دیگری از پیامبر (ص) است که فرموده‌اند: «هر کس قدمی برای کسی که می‌داند ظالم است بردارد، قطعاً از اسلام خارج شده است. هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد، منادی ندا می‌دهد: ظالمین کجایند؟ کمک کنندگان به ظالمین کجایند؟ پس آنها در تابوتی از آهن گذاشته شده و سپس در جهنم انداخته می‌شوند (کلینی، ج ۲، ص ۱۱۱۸). بنابراین، این دو نمونه از روایات مربوط به اثبات نهی معاونت بر اثم خواهد بود.

بند سوم: عقل

عقل حاکم است بر قبح کمک کردن به شخصی که قصد انجام عملی که مبعوض مولی و آنچه در آن مفسده است را دارد. شکی نیست همانطوری که عقل مستقل است به قبح مخالفت مولی و انجام آنچه که مبعوض است نزد او، همان گونه نیز مستقل است به قبح مساعده غیر، نسبت به انجام آن مبعوض توسط شخص دیگر. همچنان که انجام منکر عقلاً بد و قبیح است، تشویق و همکاری و آماده کردن مقدمات منکر نیز قبیح است. (بجنوردی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶)

بند چهارم: اجماع

فقهای عظام شیعه به طور اتفاق فتوی بر حرمت معاونت در جرم داده‌اند. جرم در فقه اسلامی همان عمل اثم و گناه است. گرچه طبق نظر حقوقدانان، هر عملی که مقنن برای آن مجازات تعیین کرده باشد، جرم محسوب می‌شود. فقها بر اعانت بر اثم موافق بوده‌اند و این عمل را قبیح شمرده‌اند. (بجنوردی، ص ۱۱۲)

بخش سوم: تحلیل و بررسی خودکشی

خودکشی، تلاشی آگاهانه به منظور خاتمه دادن به زندگی شخص توسط خودش می‌باشد که مطمئن است این تلاش به اقدام تبدیل می‌گردد یا فقط به شکل احساسی در فرد باقی بماند. (عمید، همان، ج ۲، ص ۳۱۸)

خودکشی به عنوان یک رفتار، مرگی است که به دست خود شخص انجام می‌گیرد. به گفته شنایدمن، خودکشی عملی آگاهانه است در آسیب رساندن به خود. که می‌توان آن را یک ناراحتی چند بعدی در انسان نیازمند دانست که برای او این عمل بهترین راه حل تصور شده است.

بند اول: خودکشی در لغت و اصطلاح

خودکشی در لغت عبارتست از اینکه کسی خود را به وسیله‌ای بکشد و در اصطلاح نیز عبارت است از اقدام به امری که موجب مرگ در انسان باشد.

بند دوم: تفاوت خودکشی با قتل عمد

۱- یکی از شرایط تحقق قتل عمد آن است که قاتل و مقتول در شخص مجزا باشند اما در خودکشی، قاتل و مقتول یکی هستند. (زراعت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۰)

۲- موضوع قتل، دیگر کشتی است؛ بنابراین کشتن خویش با خودکشی نمی‌تواند موضوع قتل قرارگیرد به همین دلیل برخی از حقوقدانان وجود شخص قاتل را نیز یکی از اجزاء رکن مادی قتل عمد به‌شمار آورده‌اند. (خاکپور، ص ۴)

۳- قتل عمد، اصطلاحی است حقوقی؛ و بهترین تعریف آن (که با قانون و رویه قضایی منطبق باشد)، عبارتست از: سلب ارادی حیات از انسان زنده به وسیله انسان دیگری به طرق معین شده در

قانون. (سپهوند، ۱۳۷۹، ص ۴) اما آدم‌کشی غیر از قتل عمد است مانند اعدام مجرم به حکم دادگاه صالح که مأمور اجرای حکم قاتل نیست؛ یا مرگی که بر اثر حادثه یا تصادف یا عملی رخ دهد که در وقوع آن، کسی مرتکب تقصیر نگردیده است. (بوشهری، ۱۳۷۹، ص ۹۱-۹۲)

بند سوم: اکراه بر خودکشی

اگر کسی به دیگری فرمان دهد که خود را بکشد و او خودکشی نماید، چنانچه مأمور، کودک غیر ممیز باشد، آمر را قصاص می‌کنند؛ زیرا او قاتل عمد به حساب می‌آید. لیکن اگر مأمور، صغیر ممیز یا کبیر باشد، آمر را قصاص نمی‌کنند؛ زیرا در این حالت نمی‌توان قتل را به آمر مستند دانست؛ بلکه به خود مقتول مستند است. البته حکم مذکور در صورتی است که قاتل، مختار باشد و یا اگر مورد تهدید قرار گرفته، تهدید به کمتر از قتل یا به خود قتل باشد. اما اگر تهدید به چیزی بیشتر از قتل باشد، مثل اینکه آمر بگوید خود را بکش و الا تو را قطعه قطعه خواهیم کرد، در این صورت خودکشی جایز خواهد بود. زیرا در این حالت مانعی از شمول ادله اکراه نخواهد بود. از این رو به موجب ادله اکراه، حرمت قتل نفس از بین خواهد رفت خواهد رفت. (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸) اینک باید دید که آیا در فرض اخیر، می‌توان به ثبوت قصاص بر اکراه کننده حکم کرد؟ به نظر صاحب مبانی تکمله المنهاج، پاسخ منفی است؛ زیرا اکراه فرد بر کشتن خود و تهدید او به نوعی از قتل که سخت‌تر از کشتن خویش به دست خود است، موجب خروج مکره (فرد اکراه شده) از اختیار نمی‌شود و وی با انتخاب خود، به جهت احتراز از مرگی شدیدتر و دشوارتر، خود را کشته است. بنابراین، قتل طبعاً به خود او مستند است نه به آمر و مکره (اکراه کننده). از این رو وجهی برای ثبوت قصاص بر اکراه کننده نیست. مانند حالتی که فردی بداند که اگر خود، خویش را نکشد به دست فردی دیگر به شکلی سخت‌تر کشته می‌شود، آنگاه ناگزیر دست به خودکشی بزند که در اینجا بی‌تردید قتلش را به دیگری مستند کرده بلکه خود، عامل قتل خویش محسوب می‌شود. البته این ادعا که سبب اقوی از مباشر است مردود می‌باشد، زیرا دلیلی بر تقدم سبب اقوی از مباشر وجود ندارد. چرا که ملاک در باب قصاص این است که قتل عرفاً به چه شکلی مستند می‌باشد و بدیهی است که در محل سخن به هیچ وجه نمی‌توان آن را به مکره و تهدید کننده مستند دانست. (موسوی خویی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶)

بند چهارم: حکم فقهی خودکشی

«جنایت بر خود» یا «خودکشی» بر دو نوع است: ۱- عمدی ۲- غیر عمدی

از نظر فقهای شیعه، اگر فرد به صورت عمدی مرتکب قتل خود شود، دیه و کفاره به او تعلق نمی‌گیرد. اما برخی از علما مانند علمای شافعی، معتقدند بر این که به این فرد کفاره تعلق می‌گیرد و باید آن را از میراث فردی که خودکشی کرده تأمین کنند. (موسوی خویی، همان، ص ۱۳۹) در مورد جنایت بر خود به صورت غیر عمد، همچنان که جنایت بر خود به صورت خطا انجام پذیرد، مثلاً کسی که از بالای کوهی بیفتد و یا مواد منفجره در دست او منفجر شود و مقتول و یا مجروح شود، خونش به هدر رفته و عائله (بستگان ذکور نسبی پدری یا مادری و یا پدری) مسئول دیه او نخواهند بود. این موضوع بین فقهای شیعه و بسیاری از فقهای اهل سنت اشتراک دارد. (مجله مهر، ۱۳۹۴)

بند پنجم: خودکشی در ایران جرم نیست

در مورد خودکشی‌های موفق، یعنی آن نوع از خودکشی که هدف فرد در آن محقق می‌شود و او می‌میرد، با قاطعیت می‌توان گفت که خودکشی در ایران جرم نیست؛ چراکه: اولاً: این عمل جرم - انگاری نشده است.

ثانیاً: اصل شخصی بودن مجازات‌ها در نظام حقوق کیفری ایران حاکم است و وقتی فرد، می‌میرد، دیگر کسی وجود ندارد که مجازات شود. اما زمانی که خودکشی به مرگ منتهی نمی‌شود، می‌توان با احتیاط پاسخ داد و عمل فرد را تحت عناوینی دیگر قابل مجازات دانست.

۱- فرض کنیم فردی بخواهد در انتظار عمومی دست به خودکشی بزند؛ در این مورد قطعاً اقدام او باعث وقوع بی‌نظمی در محل اقدام و برهم خوردن آسایش و آرامش می‌شود. در این مورد، ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، مقرر می‌دارد که هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد موجب اختلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد به حبس از سه ماه تا یکسال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (قاموس مقدم، ۱۳۹۵، ص ۳۱۷) و از سوی دیگر خودکشی و آسیب‌رسانی به خود در دین مبین اسلام یک فعل حرام است.

۲- ماده ۶۳۸ قانون مذکور مقرر می‌دارد هرکس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی کند، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. (قاموس مقدم، همان)

۳- طبق ماده ۵۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد کند یا حتی تهدید به خودزنی کند حسب مورد علاوه بر جبران خسارت به حبس محکوم می‌شود. البته این مورد، فقط شامل نظامیان یعنی کسانی که در استخدام نیروهای مسلح هستند یا سربازان وظیفه می‌شود. (قاموس مقدم، همان)

در واقع می‌توان بیان کرد دو مورد اول، مخصوص اقدام در انظار عمومی است و باز هم ربطی به خودکشی در منزل و مکان شخصی یا به دور از چشم دیگران و مخفیانه ندارد. مورد سوم نیز فقط مخصوص نظامیان و آن هم برای فرار از انجام وظیفه یا گرفتن امتیازات، بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که خودکشی موفق چه علنی و چه غیر علنی جرم نیست. خودکشی ناموفق در انظار عمومی به واسطه انجام فعل حرام به صورت علنی از یک سو و اگر موجب اخلال در نظم شود از سوی دیگر جرم است و خودکشی غیر علنی نیز چه موفق و چه ناموفق مطلقاً جرم نیست. (قاموس مقدم، همان، ص ۱۱۸)

بند ششم: جرم انگاری خودکشی، شروع به جرم و معاونت در آن

خودکشی در قریب به اتفاق سیستم‌های حقوقی، جرم محسوب نمی‌شود و در قانون مجازات اسلامی هم برای آن جرم انگاری نشده است ولی این به معنای جایز بودن آن هم نمی‌باشد. (رحیمی نژاد، ص ۸۵) عدم مجازات کسی که مرتکب خودکشی شده است از نظر عقلی و منطقی قابل دفاع است؛ زیرا شخص مرده قابل مجازات نیست و با قتل رابطه مالکیت او با اموالش قطع می‌شود. (زراعت، همان، ص ۵۰) اما بحث در جایی است که شخص اقدام به خودکشی کرده ولی زنده مانده است. آیا در این فرض می‌توان شروع به جرم را تصور کرد؟ برخی از حقوقدانان می‌گویند: اگر خودکشی منجر به قتل نشود، براساس قوانین کیفری ایران، مجازاتی بر آن مترتب نیست و همین‌طور، شروع به خودکشی هم جرم نیست. (زراعت، همان) در ضمن، این بحث مطرح است که بر اساس حرمت اکید که در مورد خودکشی وارد شده است، آیا نمی‌توان چنین شخصی را بر اساس قاعده (کلّ من ارتکاب حراماً فلامام کفیره) و با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی تعزیر نمود؟ که در جواب برخی از حقوقدانان گفته‌اند: ضروری است که مسائل مختلف مطرح شود و در کتاب‌ها یا فتاوی معتبر در قالب

قانون ظاهر گردد تا از اختلاف سلیقه‌ها و گوناگونی نظرات جلوگیری شود و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها دچار خلل و خدشه نگردد به ویژه آنکه اصل ۳۶ قانون اساسی با صراحت عنوان می‌کند که: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه‌های صالح و به موجب قانون باشد.» (نوبهار، ۱۳۷۸، ص ۴۴) معاونت در خودکشی هم جرم نیست، چون مجرمیت معاون، یک مجرمیت استعاری است و هرگاه عمل ارتكابی جرم نباشد وصف مجرمانه به معاون نیز تعلق نمی‌گیرد. (رحیمی نژاد، همان، ص ۸۵) معاونت در خودکشی در صورتی که به حدّ تسبیب برسد، جرم است. (زراعت، همان، ص ۵۰) تهدید به انجام خودکشی در قوانین جزایی جرم نیست مگر آنکه توسط زندانی و در محل زندان صورت گیرد که در این مورد تخلف انضباطی از آییننامه زندان تنبیه، یا در مراجع قضایی محاکمه خواهد شد. (ایمانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸) باید به این نکته توجه داشت که هرچند خودکشی جرم قضایی نیست، لکن هیچ‌کس نمی‌تواند از دیگری تقاضای قتل خود را بکند. (آیین‌نامه قانونی و مقررات جزایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۷)

بخش هفتم: تعریف معاون جرم در حقوق ایران

به طور کلی می‌توان معاون جرم را چنین تعریف نمود:

معاون جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی قابل استناد به مباشر یا شرکاء جرم دخالت نداشته بلکه از طریق تحریک و یا ترغیب، تطمیع، ربه و فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم و تهیه وسایل و یا ارائه طریق، در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته است. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۳۲۱) طبق ماده (۴۳ ق.م.ا.) ضمن بیان مصادیق معاونت در جرم برای تعیین کیفر معاون جرم، بدون تعیین نوع مجازات، (حبس یا جزای نقدی و شلاق) و میزان آن مقرر می‌دارد که: معاونین جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند و لذا درحالی که کیفر شریک جرم، مجازات مباشر و فاعل مستقیم جرم است. (شاهبختی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۵) علی‌الاصول مباشر شخصی است که تحقق تمامی عناصر مادی و معنوی جرم را دارا و قابل احراز است؛ به عبارت دیگر، مباشر شخصی است که شخصاً اعمال مادی تشکیل دهنده جرم را به مورد اجرا گزارده باشد. در مقابل، کسی که شخصاً در تحقق عناصر متشکله جرم نقشی نداشته و تنها در ارتکاب جرم از طریق رفتار مادی (ولی متمایز از عنصر مادی نفس جرم) با قصد مجرمانه همکاری داشته است، معاون جرم محسوب می‌شود. (شاهبختی،

همان) به طور کلی می‌توان گفت معاونت در شروع به جرم قابل مجازات است ولی شروع به معاونت در جرم مجازات ندارد مگر در مواردی که عمل معاونت در جرمی که شروع نشده است خود قانوناً جرم معینی باشد. مثلاً در مورد تهیه و حمل سلاح برای کسی که قصد سرقت مسلحانه داشته ولی اساساً از ارتکاب عمل منصرف شده است، حمل اسلحه خود جرم است و حامل آن بخاطر اسلحه مجازات دارد ولی موضوع معاونت در سرقت مسلحانه‌ای که حتی شروع نشده منتفی است. برابر رویه قضایی ایران: «اگر کسی دیگری را تحریک به ارتکاب جرمی کند ولی از ناحیه تحریک شده، عملی سر نزند، تحریک کننده مستوجب مجازاتی نیست و به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود و یا شروع به اجرای آن نماید. (شاهبیت، همان، ص ۲۱۳)

بخش هشتم: تحریک به خودکشی

برخی کشورها تشویق و تحریک و هرگونه تسبیب خودکشی را جرم تلقی می‌کنند و مجازات حبس برای آن در نظر می‌گیرند اما از آنجایی که در قوانین ایران خودکشی جرم نیست، بنابراین برای مسبب آن هم مجازاتی در نظر گرفته نشده است. البته در قانون ما هم می‌توان از عناوین مجرمانه دیگر برای مجازات مسببان خودکشی استفاده کرد. مثلاً در خصوص دختری که مورد آزار قرار گرفته و خودکشی کرده فرد متجاوز را می‌توان محاکمه و حتی به اعدام محکوم کرد. (برگرفته از سایت تحلیلی خبری عصر ایران، رضا جعفری، معاون دادسرای جنایی تهران، ۱۴ آذر، ۱۳۶۸)

بخش نهم: تشویق مجازی به خودکشی، جرم است

همانطور که گفته شد، اصولاً خودکشی جرم نیست؛ از طرف دیگر معاونت در انجام یک کار یعنی تحریک و تشویق و تسهیل و ترغیب به انجام آن کار در صورتی جرم است که خود آن عمل، جرم باشد. این در حالی است که قانون جرایم رایانه‌ای، برای تحریک و تشویق به خودکشی، مجازات تعیین کرده و بر این اساس می‌توان گفت که آن را نه به عنوان معاونت در جرم، بلکه به عنوان جرمی مستقل، مستحق مجازات دانسته است. به موجب بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۳۳ هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت، استعمال مواد مخدر یا روانگردان و خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک، یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد و یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل

کند یا آموزش دهد به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. (قاموس مقدم، همان، ص ۷۲)

بخش دهم: معاونت در جرم خودکشی از نظر مسئولیت کیفری

یکی از مباحث مهم حقوق جزا در حوزه (مسئولیت کیفری) مسئله معاونت در جرم است. معاونت در جرم در حقوق جزای غالب کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و دارای احکام خاص خود می‌باشد. البته صرف نظر از اصل بحث معاونت در جرم، در مورد جزئیات آن همچون شرایط تحقق یا مجازات معاون در نظام‌های مختلف جزایی اختلاف مشاهده می‌شود. به طور مثال، برخی از نظام‌های حقوقی طرفدار نظریه «برابری» هستند که بر اساس آن مجازات معاون باید همسنگ با کیفر مباشر باشد. به صورت کلی، کشور آمریکا را می‌توان طرفدار این نظریه قلمداد نمود. از دیدگاه این نظام‌های حقوقی، یک فرد ممکن است به دلیل اعمال ارتكابی دیگران مسئول شناخته شود، چنانکه گویی خود او مرتکب این اعمال شده است. در واقع همکاری یا شراکت در جرم ناشی از همزادی متفاوتی با مباشر می‌باشد. بنابراین فعل مباشر به طرز سحرآمیزی به همکار و شریک وی انتقال می‌یابد. (افراسیابی، ۱۳۷۷، ص ۶۶) اما در مقابل نظریه «برابری» گروه دیگری از کشورها همچون آلمان و فرانسه قرار دارند که معتقدند مجازات هر فرد باید به اندازه سهم وی در ارتکاب جرم تعیین گردد. از نظر حقوقدانان کشورهای اخیر، هر فرد مسئول و پاسخگوی اقداماتی می‌باشد که خود انجام داده است. بنابراین مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری «مسئولیت اسنادی» در حقوق جزا جایگاهی ندارد. (فلچر، مشهد، ۱۳۸۴، ص ۳۱۸ و ۳۲۱) البته در حقوق جزای ایران نیز مجازات معاون جرم بر اساس «ضابطه ذهنی» خفیفتر از مجازات مباشر آن است مگر در مواردی که «معاونت به عنوان جرم مستقل» یا «معاونت در حکم مباشر» باشد. که در واقع قانونگذار در این موارد عناوین مجرمانه جدیدی را مورد (جرم‌انگاری) قرار داده است. (افراسیابی، همان، ص ۷۳)

بخش یازدهم: خودکشی در شریعت اسلام و حقوق کیفری ایران

در شریعت اسلام و منطق قرآن، خودکشی به عنوان ارتکاب فعل حرام، ممنوع شده و به تبع آن دارای عقوبت اخروی خواهد بود. اما در مورد خودکشی از دیدگاه حقوق کیفری ایران، باید دانست مادام که فعل یا ترک فعلی را قانونگذار جرم نشناخته و برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین نکرده است، ولو این افعال یا ترک افعال زشت و ناپسند باشند، قابل تعقیب و مجازات نیستند. از اینرو،

افعالی مانند خودکشی یا خودزنی که در اسلام گناهمانی بزرگ محسوب می‌شوند، چون در قوانین کیفری به عنوان جرم شناخته نشده‌اند، قابل طرح و رسیدگی در محاکم نخواهند بود. در واقع تعیین جرم از وظایف مختص قانونگذار است؛ لذا در اجرای این وظیفه، قانونگذار باید کوشش کند افعال مجرمانه را به صراحت و بدون ابهام تعیین کند تا بعداً به بهانه تغییر، دادرسان نتواند آزادی‌های مردم را به مخاطره اندازد. به عبارت دیگر هیچ چیز مهمتر از آن نیست که مخاطبان قانونگذار به درستی تکلیف خود را بدانند تا بتوانند آن را دقیقاً ادا نمایند. (برگرفته از مطالب وب سایت موسسه حقوقی عدالت گستر)

نتیجه گیری

در این مقاله علمی سعی بر آن شد که مسئله خودکشی و معاونت در آن هم از لحاظ فقهی و هم حقوقی بررسی شود و برای هر کدام ادله‌های مخصوص خود را آوردیم تا بتوانیم اثبات کنیم که مسئله خودکشی و معاونت در آن از لحاظ شرعی حرام و جزء گناهان کبیره به حساب می‌آید و دارای عذاب اخروی می‌باشند. همچنین معاونت در خودکشی جزء اعانت بر اثم است و این در حالی است که برای آن به عنوان یک جرم جداگانه، تعزیراتی در نظر گرفته نشده است. خودکشی و معاونت در آن در ایران جرم شناخته نشده و برای آن مجازاتی در نظر گرفته نشده است؛ با اینکه حرمت آن در شرع تأکید فراوان دارد و تنها برای جرائم رایانه‌ای که منجر به معاونت در خودکشی می‌شود مجازات قرارداده شده است. بهتر آن است که برای معاون خودکشی با استناد به احکام شرعی تعزیراتی قرارداده شود تا کمتر شاهد موارد خودکشی باشیم زیرا معاونت نقش بسیار بزرگی در انجام و تحقق این فعل حرام خواهد داشت.

نظریه و پیشنهاد

با توجه به اینکه خودکشی و معاونت در آن از گناهان کبیره و حرام است، و آیات و روایات زیادی در این زمینه وجود دارد و از طرفی در حقوق ایران به عنوان جرم شناخته نشده و برای آن مجازاتی قرارداده‌اند و این در حالی است که به طور کلی اعانت بر اثم در شریعت حرام می‌باشد و برای معاون در جرم تعزیراتی قرارداده‌اند و از آن طرف در حقوق ایران هم برای معاون جرم به طور کلی تعزیر در نظر گرفته شده است، حال با استفاده از آیات و روایات که دلالت بر حرام بودن خودکشی و معاونت در آن دارند و با توجه به قاعده اعانت بر اثم که شامل تعزیر می‌شود و همچنین حقوق ایران

که معاونت را به طور عام جرم حساب کرده و تعزیر قراردادده است، می‌توان حداقل برای فردی که معاونت در خودکشی داشته، تعزیر قائل شد. چراکه: فردی که خودکشی می‌کند و از دنیا می‌رود، دیگر وجود خارجی ندارد که مجازات شود و اگر برای خانواده او مجازات در نظر گرفته شود کار عقلانی و شرعی نخواهد بود. بنابراین می‌توان برای فرد معاون که همکاری در خودکشی او داشته است، تعزیر قائل شد؛ زیرا به هر حال او مجرم است و در بسیاری از خودکشی‌های صورت گرفته، فرد مُعینی قبل از آن عمل وجود داشته که سبب تحریک انسانی برای خودکشی شده است.

به نظر می‌رسد بهترین راه برای جلوگیری از بسیاری از خودکشی‌ها، قراردادن مجازات برای معاون این عمل است تا کمتر شاهد بروز جرم خودکشی در ایران باشیم.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم و روایات

الف) منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲
۲. افراسیابی، محمداسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر فارابی، ۱۳۷۷
۳. ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۸
۴. بوشهری، جعفری، حقوق جزاء اصول و مسائل، تهران، ۱۳۷۹.
۵. خاکپور، محمد، جزء ۶ حقوق جزای اختصاصی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
۶. رحیمی نژاد، اسماعیل، آشنایی با حقوق جزاء و جرم شناسی، قم، نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸
۷. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹
۸. شاهبختی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ژوبین، ۱۳۷۸
۹. صدارت، علی، آیا در جرم غیر عمومی معاونت قابل تصور است؟، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵
۱۱. کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
۱۲. گرجی، ابوالقاسم، حدود و تعزیرات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
۱۳. مرعشی، محمدحسن، معاون در جرم، تهران، ۱۳۷۷
۱۴. محسنی، منوچهر، انحراف اجتماعی انگیزه‌ها و علل خودکشی، تهران، ۱۳۶۶
۱۵. مکارم شیرازی، انوارالاصول، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷
۱۶. موسوی بجنوردی، سید محمد، معاونت در جرم از دید فقه، تهران، نشر طوس، ۱۳۶۶
۱۷. موسوی خویی، ابوالقاسم، مصباحه الفقاهه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱

۱۸. نوربهاء، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، ۱۳۷۸

ب) منابع عربی

۱. بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، قم، دارالکتب الاسلامیه
۲. کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳
۳. حجاج، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۴. زکی الدین المنذری، عبد العظیم بن عبد القوی بن عبد الله، أبو محمد، الترغیب و الترهیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷

ج) منابع انگلیسی

۱. ریمون، آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه اسلامی، ترجمه باقر پرهام، تهران، ۱۳۷۵
۲. فلچر، جرج، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه مهدی سیدزاده ثانی، مشهد، ۱۳۸۴

د) منابع اینترنتی

۱. جعفری، رضا، سایت تحلیلی، خبری عصر ایران.
۲. مجله مهر، شناسه خبر ۲۹۱۳۱۵۶، شهریور ۱۳۹۴
۳. سایت موسسه حقوقی عدالت گستر. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی